

و چشم مساعدت و ترحم به غیر حتی خانواده ندوزد. امام صادق (ع) می فرماید: «عزت و شرف مؤمن در این است که از دیگران مأیوس نباشد و از آنچه در دست مردم است، قطع امید نماید». «پرورش اعتماد به نفس از درک کرامت نفس جدا نیست و مستلزم آن است که انسان به خود احترام بگذارد و از خویشتن توقع تعالی و همت والا داشته باشد.

### ● روشها

دسته ای که والدین و مربیان در آن مشترکند عبارتست از:

۱ - آموزش عملی به کودک از طریق حفظ اعتماد به نفس در برخورد با مشکلات و با وظایف توسط مربی و والدین.

۲ - شناساندن تواناییهای طفل به خودش از طریق واگذار کردن وظایفی در حد توانش به او، با توجه به اینکه باید توانایی هایش را در نظر بگیریم و از او بیش از حد توانش انتظار نداشته باشیم، در غیر این صورت، در عمل دچار شکست می شود که خصوصاً در این سن اثرات سوئی بر روحیه کودک خواهد داشت.

۳ - اجتناب از ظمیلی و وابسته بسار آوردن کودک به شکلی که وظایفی را به او سپرده و او را در انتخاب راه آزاد بگذاریم و در ادامه بدون اطلاع خودش، او را کنترل نماییم.

۴ - احترام و اعتماد به کودک نساکرامت ذات در او رشد کند و خودش را بپذیرد و به خویشتن اعتماد نماید.

۵ - خودداری از مسخره کردن و خندیدن به او اگر اشتباهی کرده و یا در انجام وظیفه اش ناتوان بوده است و خودداری از مقایسه او با کودکان دیگر و مطرح کردن برتری های آنان و ضعف کودک، زیرا تمام اینها باعث خرد شدن او و تشدید ضعفهایش خواهد شد.

وظایف خاص مربی در این زمینه در



## پرورش

# روح مسئولیت پذیری

## در کودکان

قسمت آخر

شهین ابروانی

مقدمه:

با توجه به این که پرورش روح مسئولیت پذیری در نوباوگان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در شماره های قبل مباحثی پیرامون آن مطرح گردید.

اینک توجه مخاطبان محترم را به آخرین بخش این مبحث معطوف می داریم.

**سوم - ایجاد اعتماد به نفس در کودک**

اعتماد به نفس در مرحله عملی احساس

مسئولیت، آنجا که بعد از پیدا کردن راه حل، فرد باید تصمیم بگیرد و دست به اقدام بزند، نقش مهمی ایفا می کند. منظور از اعتماد به نفس در اینجا آن است که کودک درک کند باید همیشه به خود متکی باشد و در انجام عمل و گفتن حرفی که از صحبتش مطمئن است، تردید ننماید و یا ترس از آسیب او را به محافظه کاری نکشاند

وهله اول شناسایی دانش آموزانی است که به نقص بی اعتمادی به خود و احساس ضعف مبتلا هستند. پس از آن باید زمینه‌ای ایجاد کند تا کودک در امور جمعی شرکت کند و با محول کردن هر گونه وظیفه‌ای، متناسب با روحیات و تواناییهای او، از قبیل مسئولیت حفظ گچ تخته، یا انضباط کلاس، یا کنترل بهداشت کلاس، به او مهلت احساس ضعف و عجز ندهد و بلکه وادار به استفاده از توانایی‌هایش بنماید و باریش دروس از او، زمینه صحبت کردن را در او ایجاد نماید و در تمام این موارد تشویق را جاشی عمل سازد، مریی باید بچه‌ها را متوجه این نکته کند که هر کس که وضعی دارد در مقابل، حُسن و توانایی‌هایی نیز دارد که باید به آنها تکیه کرده و حرکت کنند. همچنین توییح دانش‌آموزان به خاطر ضعف درسی، خصوصاً در حضور دیگران، خود باعث شرمندگی و خرد شدن ایشان شده و باعث ضعف اعتماد به نفس آنها خواهد شد و در مقام تذکر نیز والدین و هم مربیان، باید کودک را به اهمیت اتکاء به خود، با استفاده از مثالها و داستانها و کلمات بزرگان آشنا سازند.

#### چهارم - رشد انضباط و برنامه ریزی در کودک

تأثیر انضباط و برنامه ریزی در حین اجرای مسئولیت و بعد عملی آن است. انضباط به معنی «تربیت و سامان گرفتن»<sup>۱۵</sup> اصطلاحاً در ارتباط با انسان مطرح می‌شود و عبارتست از «پذیرش درونی ضرورت رعایت نظم و گردن نهادن نفس انسان به این امر».<sup>۱۶</sup>

نظم که با اصطلاح انضباط رابطه بسیار نزدیکی دارد، عبارتست از «آن ضوابطی که در محیط زندگی انسان تعیین می‌شود و انسان محکوم به اجرای آنهاست».<sup>۱۷</sup> در تربیت هدف اساسی ایجاد انضباط در کودکان است به نحوی که بدون فشار

خارجی خود را موظف به انجام تکالیف و رعایت نظم بدانند. ایجاد این انضباط در عین این که با رشد فکری ارتباط دارد، مستلزم اعمال شیوه‌های صحیح رفتاری از طرف والدین و مربیان می‌باشد. برنامه ریزی لازم که به قدرت ایجاد طرح با نقشه مناسب برای انجام تصمیم و نیل به هدفی، با در نظر گرفتن امکانات اطلاق می‌شود، نیاز به تفکر و خصوصاً در سنین پایین نیاز به آموزش دارد و با تکرار و تمرین آسان می‌شود. در مورد کودک برنامه ریزی حالت بسیار ابتدایی پیدا می‌کند. نظیر برنامه ریزی برای بازی، جمع و جور کردن وسایل بازی، اجرای اوامر والدین یا مربیان، انجام تکالیف و غیره. برنامه ریزی و انضباط در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند و ارتباط مستقیم دارند.

#### • روشها

در ایجاد انضباط در کودکان، در قدمهای اولیه دخالت و حضور مستمر والدین و مربیان یک ضرورت است و حتی هدف عالی رسیدن به مرحله‌ای که طفل هیچ نیازی به امر و نهی خارجی در رعایت نظم و قوانین آن نداشته باشد نیز، از اهمیت این دخالت نمی‌کاهد. در ارائه روشها والدین و مربیان حوزه مشترکی دارند، فقط در مواردی اهمیت حضور و تأثیرشان متفاوت است که اشاره خواهد شد:

۱- حاکمیت نظم در محیط منزل و نیز مدرسه و عادت کردن کودکان به این که همیشه در فضایی منظم زندگی کنند، برای آنان که در ابتدا تصویری از این مسئله ندارند و توسط ما با این مفاهیم آشنا می‌شوند و از رفتارهای ما تقلید می‌کنند، قدمهای اولیه و مهمی محسوب می‌شود. در داشتن محیط منظم نیز در خانه هم پدر و هم مادر دخالت دارند و صرف منظم بودن یک طرف کافی نخواهد بود. در مدرسه نیز هماهنگی اولیای مدرسه با هم لازم است.

۲ - کودک باید نظم را عملاً

تجربه کند. بهتر است این تجربه در ابتدا در حین همراهی با والدین باشد و دیگر فقط تماشاچی نباشد، بلکه در انجام کارها، هر چند محدود به آنها کمک کند. مثلاً وسایل کوچک را سر جای اصلی شان بگذارد، وسایل نظافت را به محل مخصوص خود ببرد. در جمع کردن سفره، آماده کردن وسایل تهیه جای، جمع کردن وسایل تعمیر، شستن ماشین، دوچرخه یا موتور و غیره کمک کند. نظارت والدین در این مرحله الزامی است تا کودک درک کند که حسابی در کار است و هر شیء به دلیلی در مکان خاص خودش قرار گرفته است. ۳- در سنین دبستانی، کودک می‌تواند وظایفی را متناسب با قدرتش بپذیرد و انجام دهد. لذا، باید به او وظایفی مستقل و سبک محول نمود. مورد ساده آن، وظیفه تهیه نان برای خانه به طور دائم برای پسر بچه‌ها و پهن کردن و جمع کردن سفره غذا برای دختران است. این سپردن وظیفه نباید موقتی باشد، یعنی کوتاه مدت نباشد، بلکه اگر امکان پذیر شد. ماهها و سالها ادامه داشته باشد. برای مثال، وظیفه اینک در خانه همیشه خمیردندان، یا کبریت، یا نان برای مصرف وجود داشته باشد، به عهده فرزند خانواده باشد. به نحوی که او خودش مسئولیت کنترل و خرید را بدون دخالت والدین و بدون تذکر آنان به عهده بگیرد.<sup>۱۸</sup>

۴ - نکته بسیار مهم دادن اختیار عمل به کودک در انجام وظیفه است. یعنی آنچه برای طفل کارساز است، آن است که خود فکر کند و انتخاب طریقه نماید و آن را اجرا کند. در اینجا است که امکان بروز خلاقیت

و استعداد در کودک پیدا می‌شود.<sup>۱۹</sup>

۵ - اما ضمانت اجرای وظایف به نحو

صحیح توسط کودک چیست؟

باید دید علت بی نظمی‌ها و قصور در

انجام وظایف توسط کودکان چیست؟

یکی از علل بی نظمی این است که

والدین در حرفی که می‌زنند و دستوری که می‌دهند، جدی نیستند. یعنی علی‌رغم تهدیدهای زیاد و نگاه وحشتناک که اگر اینکارها را نکنی تو را خواهیم کشت! یا به میهمانی نخواهم برد یا کتک خواهم زد، علی‌رغم قصور کودک، والدین یا در مقابل گریه اوتسلیم می‌شوند و یا اصلاً حرفهایشان را فراموش می‌کنند، در نتیجه کودک می‌بیند که حتی اگر انجام وظیفه هم نکند، هیچ تهدیدی عملی نمی‌شود و هیچ انتقاد ناگواری نمی‌افتد و در عمل به سمت تنبلی و بی‌نظمی رهنمون می‌شود. اگر والدین خواهان ایجاد انضباط در کودکان هستند، باید روی حرفی که به کودک می‌زنند بایستند و اگر در صورت تخلف وعده مجازاتی داده‌اند، حتماً این کار را بکنند.

کودک چنانچه بداند قصور و کوتاهی‌اش واقعاً برایش محرومیت و زبانی به دنبال دارد. مسلماً به وظایفش عمل خواهد کرد. اما در اعمال مجازات در مقابل قصور کودکان، سؤال این است که مجازات چگونه و در چه حدی باید باشد؟ اصل اول این است که جرم و مجازات باید متناسب باشند. دوم اینکه نباید ضرورتاً مجازات را با اعمال خشونت معادل دانست. سخت‌گیری مستلزم کتک و داد و فریاد نیست، روش منانت و آرامش همراه با جدیت بهترین روش خواهد بود. پیشنهاد می‌شود که در مجازات به حریم نیازهای اولیه و ضروری طفل تجاوز نشود. یعنی مثلاً به جرم کوتاهی، طفل از غذا محروم نشود و یا خواب طبیعی او دچار اشکال و وقفه نگردد زیرا علاوه بر صدمات بدنی احتمالی، کودک را نسبت به والدین بدبین می‌کند. بهتر است محرومیت از بعضی سرگرمیها و تفریحات و امتیازاتی که طفل داشته، اجرا شود. مثلاً برای چند نوبت کودک از رفتن به پارک، یا بازی با دوستان، رفتن به منزل آشنایان، ممنوع شود. یا پول توجیبی او قطع گردد و از خرید وسیله مورد علاقه‌اش (ونه مورد نیازش) محروم گردد.<sup>۲۰</sup> البته واقعاً والدین

این کارها را به عنوان تنبیه انجام دهند و در حد حرف باقی نمانند. این برنامه‌ها برای کودک لذت‌بخش است، این محرومیت بر او تأثیر لازم را خواهد داشت. در مجازات آنچه ماندنی است، تأثیر روانی تنبیه است و نه احساس الم جسمی که به هر حال دیر یا زود از بین می‌رود و حتی بدن در مقابل ضربات مقاوم‌تر هم می‌شود، لذا، این ذهنیت که «کتک، بچه را آدم می‌کند» یک اشتباه محض است و کاملاً قابل مشاهده نیز هست که والدینی که تنبیه بدنی را اعمال می‌کنند، در حین تنبیه عمدتاً به تخلیه خشم و غضب خود مشغول هستند و نه اصلاح کودک و در واقع کودک صرفاً ابزار فروکش کردن خشم محسوب می‌شود.

#### ۶- پیشنهاد می‌شود که کودکان را با

ایرادگیری و سرزنش مکرر آزرده خاطر و دلزده نکنید. اگر در انجام وظیفه اشتباه کرد، فقط به او بگویید که کارش را درست انجام نداده و باید مجدداً تکرار کند. زیادی سرزنش آتش لجاجت را شعله‌ور می‌کند.

#### ۷- باید توجه کرد که کارها

دو دسته هستند. یک دسته وظایف که باید انجام شود و قصور از آنها مستوجب تنبیه است و دسته دیگر کارهای متفرقه که وظیفه کودک نیست و اگر آنها را انجام داد، مستوجب تشویق است، هر گاه کودک وظایفش را نظیر انجام تکالیف درسی، با مرتب کردن کتابها و اتاقش و یا وظایفش در خانه را انجام داد، نباید کودک را تشویق نمود و بلکه با جمله‌ای نظیر کارت را درست انجام داده‌ای، و تأیید صحت عمل او را قانع و راضی نمود. محصول این نوع برخورد این است که کودک درک کند انجام وظیفه واجب است و از هیچکس انتظار امتنان و تشکر نباید داشته باشد. اما در مورد دسته دوم، مسلماً تشویق به نحوی که او را برای فعالیت بیشتر تحریض و مایل سازد، جای دارد ولی در اینجا هم باید تشویق با کار انجام شده تناسب داشته باشد. «در مورد

تشویق نیز باید خیلی محتاط بود. هیچوقت از بیش، دادن جایزه و پاداشی را نباید به کودک وعده داد. بهترین است که کودک در قبال کار مفیدی که انجام می‌دهد، خیلی ساده مورد تحسین و تشویق معنوی قرار گیرد. تأمین و ایجاد خوشی، انواع تفریحات، و سرگرمی‌ها جزء حق طبیعی و مشروع کودکان است. اینها را نباید پاداشی برای رفتار خوب کودکان تلقی کرد. هر چیزی که در این یا آن موقعیت برای کودک ضروری است، باید به او داده شود، بی‌آنکه شایستگی او در این مورد به حساب آید.»<sup>۲۱</sup> اگر در انجام کارهای فوق وظیفه‌به کودک از قبل وعده پاداش داده شود، این خطر وجود دارد که او به امید رسیدن به پاداش کار کند و با قطع پاداش، میل به فعالیت نیز در او خاموش شود. در حالی که قصد این است که او منضبط و اهل کار باشد. انگیزه خوشحال کردن پدر و مادر یا هر کس دیگر به واسطه انجام کار خاصی، نیت صمیمانه و مقبولی است. پس بهتر است والدین در این مواقع با ابراز خوشحالی و مسرت از فعالیت فرزند، تشکر از او، وی را با چنین پاداشهایی آشنا و به آنها راغب گردانند. مریان نیز همان‌طور که قبلاً گفته شد، در اعمال روشهای بالا با والدین مشترکند. با این تفاوت که در مدرسه چون دانش‌آموز کلاً مطلع است که حضور در مدرسه مستلزم انجام تکلیف و وظایف می‌باشد، مربی با دست بازتر و انتظارات بیشتری از دانش‌آموز عمل می‌کند. حتی علاوه بر تکالیف منزل و مطالعه دروس، می‌تواند وظایفی دیگر در رابطه با کلاس و مدرسه به او سپرد و از او هم ابتکار عمل و همکاری منظم و دقیق طلب کرد. درباره تشویق و خصوصاً تنبیه در صورت قصور در وظایف نیز نقش مربی و مدرسه حساس‌تر است، زیرا تنبیه در خانه توسط والدین که کودک به آنها صمیمانه عشق می‌ورزد و نهایتاً در حضور خواهران و برادران خودش است ولی در مدرسه خیل انبوهی از دوستان

همکلاسی حضور دارند و تنبیه کودک به نحو غلط، او را نزد خود و بقیه بی قدر می سازد و کارساز هم نخواهد بود. باید در تنبیه کودک او را نهایتاً به آنجا رساند که درک کند اشتباه کرده و خودش مقصر است و باید این اشتباه را جبران کند و البته راه جبران اشتباه نیز باز است. در مقام تذکره لازم است که هم والدین و هم مربیان مدام به فواید نظم داشتن و اهمیت انضباط اشاره کنند و با مقایسه زندگی انسانهایی که نظم، جزء لاینفک زندگیشان بوده و توفیقاتی بزرگ یا کوچک در طول حیات خویش داشته اند، کودکان را هر چه بیشتر به این امر مهم سفارش نمایند.

### پنجم - آموزش ارزشهای اصیل در کودک و معرفی «میزان» به او

سیستم ارزشی هر فرد دخالت مستقیم و تعیین کننده در تصمیم گیری و عملکرد وی دارد و در رفتار مسئولیت شناسانه نیز تشخیص و تصمیم فرد تابعی از ارزشهایش می باشد. به علاوه باید توجه داشت که وجود انسان همچون ظرفی است که محتوی و مظهری را طلب می کند. ارزشها و ضد ارزشها محتویات این ظرف هستند و هر گاه این ظرف با ارزشها و مطلوبیتها پر نشود، اجباراً با ضد آنها بار خواهد شد. در نتیجه با کوناهای در آموزش و تثبیت ارزشهای اصیل، در واقع کودکان را به سمت شرف و ضد ارزش سوق داده ایم.

### ● روشها

در آموزش هر نوع ارزشی توجه و اعمال نکات زیر برای هر دو قشر والدین و مربیان ضروری است:

- ۱- مانند موارد گذشته، مهمترین آموزش، وفادار بودن سرپرستان طفل به ارزشها در عمل می باشد. زیرا اگر چه ارزشها ریشه فطری دارند ولی در بروز آنها، محیط نقش تعیین کننده دارد. باید نظام ارزشی درستی انتخاب کرد و به آن

عمل نمود تا متقابلاً از طفل هم چنین انتظاری توان داشت.

### ۲- تفهیم اهمیت مسئله «نیت».

ما همه می دانیم که همیشه در انجام مقاصدمان جزئی یا کلی، نمی توان موفق بود و لذا میان قصد و نیت تا عمل فاصله وجود دارد و شکست در مرحله اجرا نباید مانع قصد و نیت خیرخواهانه باشد. این مسئله باید به کودک نیز تفهیم شود و البته او خود تا حدودی حین بازی یا سعی در انجام خواسته اش متوجه این مسئله هست و ما نیز با تکیه به همین ناکامی ها که او با خودمان یا دیگران ناخواسته دچار شده اند، می توانیم کاملاً مسئله را برایش روشن کنیم. نتیجه این مسئله آن است که او از شکست در انجام مقاصد خیر ناامید و مأیوس نشود و ارزش هر اقدامی را طبق حدیث «انما الاعمال بالنیات»<sup>۲۲</sup> براساس نیت بسنجد.

۳- توقع از کودک، به نحوی که درمابین برخوردها طوری با او رفتار شود که او خوب است و چون خوب است از او جز انتظار خوب عمل کردن نمی رود و حتی اگر خلاف کرده ناشی از اشتباه و غفلت بوده و نه خواست قلبی.

۴- در توضیح ارزشها، باید با جدیت روشن کرد که گردن نهادن به ارزشها، شوخی بردار نیست و نمی توان به حریم آنها به شوخی یا جدی تجاوز کرد.

۵- معرفی الگو بهترین طریقه آموزش ارزش است. در این معرفی باید رفتارها و نه خصلت های الگو عنوان شود، به نحوی که برای کودک صحنه هایی کاملاً روشن و ملموس دور از هر نظر بردازی و ذهنی گرایی باشد.<sup>۲۳</sup>

این الگوها را می توان در خلال مطالعه کتب داستان و یا تعریف داستان به کودک و یا نمایش فیلم و حتی در برخورد با انسانهای معمولی به وی معرفی کرد. مهم است که درباره جوانب رفتاری الگوها نیز بحث شود و صحبتها مستدل باشد.

۶- تاکید بر کرامت نفس، به

نحوی که کودک هر رفتار و عملی را که مابین با ارزش انسانی خود می بیند ترک کند، و مثلاً تنبیه را به دروغگویی ترجیح دهد یا از غیبت اجتناب کند زیرا، نشانه ترسو بودن آدم است و... در مقابله با رفتار ضد ارزشی کودکان نیز باید از اینکه او را و رفتارش را مستقیماً زیر سوال برده و توبیخ کنیم اجتناب نمود. بلکه با صبر و تأمل و معرفی و ارج گذاری رفتار درست بدون اشاره مستقیم به او فرصت داد تا فکر کند و خودش مرحله جایگزینی و انتقال را صورت دهد. صورت بودن و خودداری از طرد، خشونت یا حتی تعجیل در هر زمینه ای کارساز خواهد بود.

### ● پانوشتهها:

- ۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۸۴
- ۲- الحدیث
- ۳- تحف العقول، ص ۶۵
- ۴- الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۱
- ۵- همان مأخذ، ص ۱۰۲
- ۶- الحدیث، ج ۱، ص ۲۵۳
- ۷- تحف العقول، ص ۴۰۶ (نقل از اسناد شریعتی)
- ۸- تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، عطایی، انتشارات علمیه اسلامیه، ص ۷۴
- ۹- تحف العقول، ص ۷۶
- ۱۰- روان شناسی رشد، علی اکبر شماری نژاد، ص ۲۱۳
- ۱۱- الحدیث، ج ۱
- ۱۲- تحف العقول، ص ۷۱
- ۱۳- گفتار فلسفی کودک، ص ۲۷۴
- ۱۴- گفتار فلسفی کودک، ص ۲۸۲
- ۱۵- فرهنگ معین، ج ۱
- ۱۶- استنتاجی از توضیحات استاد رجعی مظلومی، تاریخ ۶۸/۷/۱۹
- ۱۷- همان مأخذ
- ۱۸- اقتباسی از کتاب انسان، مری، کارنگو، ص ۱۰۳
- ۱۹- همان مأخذ
- ۲۰- همان مأخذ، ص ۹۱ و منظومه بدگویی، ج ۲، ص ۱۷۸
- ۲۱- انسان مری، ص ۹۱
- ۲۲- درسهای زندگی، جواد تهرانی
- ۲۳- روش قرآن در معرفی الگوها و ارزشها